

# پیاد مورخ ضد استعمار

بیست و هشتم آبان ماه مصادف است با سالروز خاموشی مورخی گرانقدر که نه تنها در حیاتش بلکه پس از بیست و نه سال که از مرگ او می‌گذرد هنوز چنانکه شایسته مقام علمی و اخلاقی اوست شناسانده نشده و مجهول‌القدر باقی مانده است.

محمود محمود فرزند محمدقلی خان و بیگم خانم، در سال ۱۲۶۱ شمسی در تبریز متولد شد. و در بیست و هشتم آبان ۱۳۴۴ در تهران خاموش گشت و در این بابویه مدفون است.

نام خانوادگی زنده‌یاد محمود «پهلوی» بود و در اولین شماره مجله پروین (۱۳۳۳ قمری) مقاله‌ای درباره کتابخانه اسکندریه بقلم «محمود پهلوی» منتشر کرده است. در سال ۱۳۰۳ شمسی، دبیراعظم (فرج‌الله خان بهرامی) که از عاملان سردار سپه بود، نامه‌ای به او نوشت که نام خانوادگی دیگری برای خود انتخاب کند. زیرا آن اسم را حضرت سردار سپه برای خودشان برگزیده‌اند. محمود با شجاعت و صراحت پاسخ نوشت که: من تنها به نام «محمود» بسنده خواهم کرد، و این مطلب در روزنامه «شفق سرخ» نیز به آگاهی همگان رسانیده شد.

محمود تحصیلات اولیه خود را در تبریز و تهران تمام کرد. زبان انگلیسی را در کالج آمریکایی آموخت. آغاز کار اداری محمود، در اداره «حمل و نقل» بود که جزو وزارت پست به شمار می‌رفت. سپس بیش از سی سال در وزارت پست و تلگراف خدمت کرد. آخرین شغل او در آن وزارتخانه، مدیریت کل بازرسی بود و پس از آن بازنشسته شد.

محمود مردی آزاده بود و در عقاید آزادیخواهی‌اش راسخ و پایدار و در استحکام اخلاقی



دادلاری بسته در خدمت  
آقای فریدون آدشت  
تهران ۱۳۲۳/۱۱/۴  
محمود

در میان اهل سیاست از افراد ممتاز بلکه استثنایی شناخته شده بود. وجهه نظر فکری او عقلی بود، گرایش سیاسی اش همیشه ملی بود و سراسر شور و وطن خواهی. با دو چیز همواره سر جنگ و ستیز داشت: یکی حکومت فردی و استبدادی و دیگر استعمار و نفوذ اجنبی. در میدان عمل و در قلمرو فکر و نویسندگی همیشه همین طریقه را پیمود.

گسفتنی است در اعلامیه مشترکی که دو جناح ائتلافی حزب سوسیالیست (به عنوان «سوسیالیست اونیفیه») در ۱۳۰۲ شمسی خطاب به ملت ایران منتشر کرد، و به آینده تاریکی که حکومت اختناق و ترور سردار سپه جامعه مدنی را تهدید می نمود، هشدار داده است. نام محمود پهلوی و علی اکبر دهخدا را در زمره امضاء کنندگان آن می خوانیم.

کارنامه فعالیت سیاسی محمود محمود مقارن دومین دوره مجلس شورای ملی آغاز گردید. در آن زمان با تأسیس حزب دموکرات ریاست کمیته اجرائیه آنرا داشت. از دوستان نزدیک محمدامین رسولزاده و حیدرخان (معروف به حیدر عمو اوغلی) بود. او تا سال ۱۳۰۴ شمسی با آزادخواهان همکاری مستمر داشت. یکبار هم در زمان رئیس الوزرای سردار سپه به حبس افتاد. بعدها، یعنی پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از همکاران سیاسی قوام السلطنه بود. استاندار تهران شد و در همان ایام یک دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را داشت.

محمود در اواخر عمر دچار ضعف بینایی گشت. اما نوشته مهدی بامداد (صفحه ۴۵ جلد چهارم شرح حال رجال ایران) مبنی بر اینکه او نابینا شده بود، ابدأ صحیح نیست و بی مأخذ است. در

این باره گواهی دکتر فریدون آدمیت که تال‌لحظه واپسین او را می‌دید، معتبر است.

زمینه اصلی مطالعات محمود محمود تاریخ تمدن و تاریخ سیاسی ایران و اروپا در دو قرن اخیر بود. در فن تعلیم و تربیت نیز رسالاتی نگاشته است. نام قلمی خود را «رسول نخشی» (اشاره به ماه نخشب) برگزیده بود و بیشتر مقالات و بعضی از رساله‌هایش با همین عنوان منتشر گردیده است. از جمله مقالات درباره «تکامل یا انقلاب» در مجله آینده و سلسله مقالات در مجله تقدم با امضاء رسول نخشی است.

محمود کتابخانه خوبی داشت. خاصه در رشته تاریخ تمدن و تاریخ تحولات سیاسی اروپا و آثار نویسندگان خارجی و سفرنامه‌هایی که درباره ایران نگاشته بودند. بسیار غنی بود. کتابخانه او به روی هر کس که با تحقیق و نگارش سروکار داشت، همیشه باز، و وی را مشوق و راهنما بود. از آن کسان دکتر فریدون آدمیت است که او را استاد عالیقدر خود می‌داند، همیشه و همه جا می‌ستادش. در نامه مفصل منتشر نشده‌ای که متن قطعاتی از آنرا اینجا می‌آوریم، با بررسی ویژگی‌ها و رفتار مهربان و شیوه نامه‌نگاری خصوصی و شوق و علاقه زنده یاد محمود محمود به کار تحقیق در تاریخ سیاسی ایران نیکوتر آشنا می‌شویم. شرحی در باره فراهم آوردن زمینه انتشار اثر نامدارش، «تاریخ روابط سیاسی ایران» دارد که خواندنی است. این نامه را به تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۲۴ به فریدون آدمیت نگاشته:

«یگانه دوست باوفای من نامه مورخه ۳ مرداد ۲۴ سرکار عالی را دیروز زیارت نمودم از سلامتی وجود شریف فوق‌العاده مسرور شدم. مدت‌ها بود که از سرکار کاغذ نداشتم. رسیدن این نامه فوق‌العاده مرا خوشحال نمود و البته اطلاع دارید آقای تهمورث هم مدتی است رفته‌اند بنده دیگر از آدمیت خارج شده‌ام...»

راجع به انتشار تاریخ روابط سیاسی ایران می‌نویسد:

«در باب چاپ تاریخ روابط سیاسی من اقدام نمودم چاپخانه علمی حاضر شده بطبع برساند. هزار جلد از هر کتابی یعنی از هر جلدی بطبع برساند و یکصد جلد آنرا به من بدهد. من نیز قبول نمودم ولی فعلاً مانع است. اظهار می‌دارد من با سرمایه خود بطبع برسانم. خیلی اصرار نمودم شاید راضی شود این کتابها بطبع برسد ولی تا حال نتیجه نگرفته‌ام. من تصور می‌کنم حال اگر موفق نشوم دیگر چنین فرصتی دست نیاید. ممکن است پیش آمده‌ای سیاسی در ایران یقین دارم که پیش خواهد آمد که طبع این نوع کتابها را مانع شوند. در صورت این خانم مانع چاپ است. بعذر اینکه با سرمایه خودم می‌خواهم چاپ شود. ماندن این‌ها برای بعد یک عیب دیگر هم دارد و آن اینست که من پیر بشوم و آن استعداد و پشت‌کار دیگر نخواهم داشت. حال می‌توانم در این مجلدها تجدیدنظر کنم. معایب را رفع کنم. ولی فردا دیگر این قدرت و استعداد را نخواهم داشت. در حال تا امروز که موفق نشده‌ام کتابها را از چنگ ایشان در بیاورم. اگر شما اینجا بودید شاید اصرار و جدیت شما ممکن می‌شد این‌ها را از پد ایشان خارج کنید...»

سیرت خرم و عظم

نام خدا باری زیارت شد و بجهت خوشحالی مردم لیسیدادم که همراه شماست  
و رفیق بسبب.

حال من خوبست و اینروزه با وقت خود بیشتر در مطالعه میگذرانم و چون برنامه ترمیم را  
لله میبیدم و مدت هشتم مدتی مشغول مطالعه مورخه کتاب سلطنت و بیعت و بیعتار  
ایرانی بودم خنیا از آن استفاده کردم و به ضایعایی سپیدگی میگویم که امید میباید را  
که مندرجه نام براتین میبوسیم نموبانید زیرا دستاسد از خبر عالی سیر انگلیس  
نمک زیاده را میباید که و خنیا خنیا خوب که دنیا را معجز کرده است.

کتابی که در این سده مخفی فرست شده اند و به رفیق یکبار نزد من میآید و هم میآید  
به همین عرضم مخفی فرست ضایع دلند  
خنیا فرستال خواهم شد که همیشه از حال هم اطلاع داشته باشم و نامهای شما را بخوانم  
لادند - محسنه

My Diaries  
Being a Personal Narrative of Events 1888-1914  
By  
Wilfrid Scawen Blunt  
New York Alfred A. Knopf MCMXXIII

نمونه ای از خط زنده یاد محمود محمود (از آخرین نامهها - خطاب به دکتر فریدون آدمیت)

۳۸۵

در ادامه مطالعات خود می‌افزاید:

«من دنباله مطالعات خودم را دارم. بعضی اوقات به کتابخانه مجلس هم می‌روم. اخیراً کتابی بدستم افتاد که به مقصود من کمک کرد. این کتاب در آمریکا به طبع رسیده است. نام و نشان کتاب از این قرار است:

THE ANGLO - RUSSIAN CONVENTION OF 1907.

BY ROGERS PLATT CHURCHILL,

THE TORCH PRESS, 1939

به نظر من نویسنده باید آمریکایی باشد. شخص مطلعی است از روی مطالعه و تحقیق و مراجعه به اسناد نوشته است. به نظر چنین می‌آید که تمام منابع و مدارک را به دقت مطالعه نموده است. فقط عیبی که من در این کتاب دیدم آن کمی اطلاعات نویسنده از منابع ایران است. ایران را به خوبی نشناخته است. در حال بسیار کتاب خوبی است...»

راجع به آرشیو عمومی انگلستان می‌نویسد:

«در باب PUBLIC RECORD OFFICE نوشته بودید من تعریف آنرا زیاد شنیده‌ام ولی خودم مراجعه نکرده‌ام. امیدوارم جنابعالی استفاده کامل از آن بکنید. به اسناد تاریخی راجع به ایران مراجعه فرمائید من خیلی میل دارم نوشتجات میرزا حسین خان سپهسالار را بدانم چیست. آیا در اینجا سوابق از آنها پیدا می‌شود. مخصوصاً زمانی که در تاریخ  $\frac{1873}{1290}$  همراه ناصرالدین به لندن رفت و در آنجا راجع به مسائل ایران مکاتبه نموده‌اند. میرزا حسین خان فوق‌العاده به انگلیسها ارادتمند بوده و تمام ترقیات او از انگلیسها بوده ولی در این مسافرت از انگلستان مایوس برگشت و به مقصود خود نرسید. خیلی میل دارم جنابعالی در سر فرصت به آنها مراجعه فرمائید شاید اطلاعاتی بدست آید و یک گوشه تاریخ روشن شود.»

سفرش او به فریدون آدمیت این است:

«جنابعالی هرچه می‌توانید اطلاعات خودتان را تکمیل کنید به هر اسناد و مدارک تاریخی در باب ایران برخورد می‌کنید از آن سواد بردارید مخصوصاً در قرن نوزده میلادی (۱۹) از حیث روابط سیاسی در این قرن حوادث و پیش آمدهای عجیب و غریب رخ داده است که اولیای امور امروزه ایران از آنها بکلی بی‌خبرند. علل و اسباب این پیش آمدها را نمی‌دانند. چه قدر مفید بود اگر رجال امروزی ایران مسبب اصلی آنها را می‌دانستند و این دانستن دلیل راه آنها می‌شد و خطا نمی‌کردند.»

راجع به انتشار بخش سوم کتاب امیرکبیر و ایران می‌گوید:

«قسمت سوم تاریخ امیرکبیر شروع بطبع شده، حال قریب یکصد صفحه چاپ شده است. جوانی که متصدی این کار است بسیار جوان آراسته و جدی است. خیلی میل دارد این قسمت خوب از چاپ بیرون آید. تا حال که بنده دیده‌ام بسیار خوب چاپ شده امید است تا دو ماه دیگر

# تاریخ روابط سیاسی

## ایران و انگلیس

دوازدهمین

تألیف: محمود محمود

# تعلیم و تربیت اطفال در مدارس

دیاله رساله تربیت اطفال در خانواده

تألیف

رسول «نخشبی»

طهران خرداد ماه ۱۳۰۷ شمسی

از نشریات مؤسسه خاؤ

چاپخانه خاور تهران لاله زار

بکلی طبع آن تمام شود. بنده نیز به نوبت خود آنچه مراجعه کنند نظر می‌دهم.

آثار محمود محمود

پس از شهریور ۱۳۲۰، محمود محمود با احتیاط خاص خودش، نخست آثار فرعی خود را که سالها پیش از آن تاریخ ترجمه و تألیف کرده بود به چاپ رسانید و سرانجام بزرگترین اثرش «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» را منتشر کرد.

توجه و دقت نظر و ژرف‌نگری در انتخاب تألیف و یا ترجمه به‌خوبی محسوس است. ترجمه کتاب «جنگ نفت» با آن مقدمه عمیق در زمان خود، گویای رازی سر به مهر بود. ارزنده‌ترین و بزرگترین اثر محمود محمود، همان «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم» در دوازده جلد است که تنها هشت جلد آن به چاپ رسیده است. بخشی از این کتاب بزرگ در سال ۱۳۱۲ و بخشی در سالهای ۱۳۱۶ و ۱۳۱۹ برای چاپ آماده شده بود. ولی تا سال ۱۳۲۸ زیر چاپ نرفت. او بنیانگزار تحقیق در تاریخ روابط سیاسی ایران است. از نظر روش تاریخی، انتقادی که بر این کتاب وارد است اینکه برخی فصول کتاب بطور مضبوط نوشته نشده. با این همه، نتیجه‌گیری‌های تاریخی او درباره سیر تاریخ سیاسی ایران درست و دقیق است؛ مستند به نوشته‌های معتبر.

کتابشناسی آثار محمود محمود

الف - آثار چاپ شده:

- ۱- مجموعه حکایات. تهران.
  - ۲- تربیت اطفال در خانواده. تهران. خاور، ۱۳۰۶.
  - ۳- تربیت اطفال در مدارس. تهران. خاور، ۱۳۰۷.
  - ۴- مقدمه بر کتاب «امیرکبیر و ایران» تألیف فریدون آدمیت. بخش یکم. چاپ یکم، ۴۱ صفحه.
  - ۵- ترجمه جنگ نفت. آنتوان موهر. تهران. مروج، ۱۳۲۴.
  - ۶- ترجمه شهریار. مکیاولی. تهران. بنگاه آذر، ۱۳۲۴.
  - ۷- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم. (هشت جلد آن در سالهای ۱۳۳۳-۱۳۲۸ به چاپ رسیده است).
  - ۸- مقاله‌های گوناگون که در مطبوعات زمان چاپ کرده است. مانند مقاله‌های «قربانیهای هند» که در روزنامه «بیکار» به مدیریت وثوق نظام پدر عبدالحسین هژیر به چاپ رسید، و مقاله‌های دیگر که در مجله «تقدم»، «آینده»، روزنامه «طوفان» و روزنامه «شفق سرخ» نوشت. این مقاله‌ها را همانطور که اشاره کردیم به امضای «رسول نخشی» چاپ می‌کرد.
- ب- آثار چاپ نشده:
- ۱- تربیت اطفال در جامعه (یا: تربیت ایرانی برای جامعه ایران)
  - ۲- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ۴ جلد.
  - ۳- خاطرات سی ساله یا سی سال در خدمت دولت. (این کتاب بخشی از سرگذشت اوست و آگاهی‌های تاریخی بسیار بالارزشی به دست می‌دهد.)
  - ۴- یادداشت‌های بسیار راجع به نواحی و ممالک ترکمان نشین و ایالات خراسان، سیستان، بلوچستان، خلیج فارس، خوزستان، کرمانشاهان و کردستان از کتب زیادی که نویسنده‌گان خارجی مخصوصاً خود انگلیس‌ها نوشته‌اند و دخالت‌های دولت انگلیس در مدت یکصد و پنجاه سال در نقاط نامبرده از روی اسناد و مدارک... شاید از ششصد صفحه متجاوز باشد.
- (تاریخ روابط سیاسی، مقدمه جلد یکم ص ب و ج)
- گذشته از این چند نمایشنامه از جمله «پسر امیر تومان» که در انتقاد قزاقخانه و با اشاره به کودتای ۱۲۹۹ نوشته و کاملاً جنبه سیاسی و اجتماعی دارد.

(در نگارش این مقاله از آگاهی‌های آقای دکتر فریدون آدمیت و مقاله آقای محمود کتیرایی در مجله نگین به تاریخ ۳۱ آذر ۱۳۴۷ بهره بردم.)

#### یادداشت‌ها:

۱. منظور عبدالحسین بهمند است که همشاگردی و دوست دکتر فریدون آدمیت بود که بر چاپ جلد سوم «امیرکبیر و ایران» نظارت داشت و به مرض سل درگذشت.